

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به کارگران و زحمتکشان کشور (بمناسبت روز اول ماه مه - روز همبستگی بین المللی کارگران)

تیره روزی و دشواریهای گوناگون زندگی روزمره شما میافزاید. درحالیکه کار و کوشش شما نخستین شرط و مهمترین عامل پیشرفت اقتصادی کشور است و با اینکه چرخ صنعت و کشاورزی فقط به نیروی شما و بقدرت بازوان توانای شما بحرکت درمیآید، معذالک دستمزدی که شما داده میشود حتی حد اقل مخارج زندگی عادی خانواده شما را تأمین نمیکند. علاوه بر این از جانب طبقات حاکمه محرومیت های مادی و معنوی دیگری بزندگی شما دنباله در صفحه ۴

بیداد بهره کشان، شما درود پرشور میفرستد. خواهران و برادران رنجبر! در سالی که گذشت، بر خلاف ادعای های پرهیاهوی زمامداران رژیم، نه تنها در وضع معیشت و زندگی شما بهبودی حاصل نشده بلکه باز هم تنگدستی و محرومیت های مادی و معنوی شما افزایش یافته است. ترقی مستمر هزینه زندگی بویژه گرانی روز افزون اقلام ضروری مورد نیاز مردم زحمتکش، از کرایه خانه گرفته تا ابتدائی ترین مواد خوراکی و پوشاک، روز بروز بر تنگدستی

کارگران، زحمتکشان ایران! کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت روز اول ماه مه، روز همبستگی بین المللی کارگران سراسر جهان، روز تظاهر قدرت عظیم اتحاد و همزمنی طبقه کارگر، روز تجدید عهد رنجبران همه کشورها در مبارزه علیه استثمار و

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

مردم ایران بند و بست اخیر هیئت حاکمه با کنسرسیوم نفت را محکوم می کنند (اظهاریه هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران)

رو به فرسایش می رود و از طرف دیگر نیاز مندی کشور های صنعتی اروپای غربی و امریکا و کانادا و ژاپن بمنابع نفت و گاز روز افزون است. بطوریکه امریکا که تا چندی پیش احتیاج چندانی به وارد کردن نفت و گاز نداشت مجبور است در سالهای آینده تا ۵۰ الی ۶۰ درصد نیازمندی خود را به نفت و گاز از منطقه خاور نزدیک و خلیج فارس وارد کند.

این نیازمندی روز افزون در دنیای کنونی بحث شدیدی را در باره کیفیت رفتار با کشورهای تولید کننده نفت بوجود آورده است. برخی از محافل واقع بین تر سرمایه داری در کشورهای امپریالیستی احساس میکنند که روش گذشته تحمیل به کشورهای تولید کننده، این خطر را دربر دارد که منجر به واکنش شدید این کشورها شود و کشور های امپریالیستی کنترل خود را بر روی تولید و بازار جهانی نفت از دست بدهند. درست باین مناسبت که یکی از بزرگترین کارشناسان نفتی امریکا جارح با کالی اخیراً گفته است: «آن دورانها که شرکتهای بزرگ نفتی بیاوری دولت های خودشان میتوانستند شرائط خود را بر کشورهای تولید کننده نفت تحمیل کنند گذشته است.» و نیز درست به همین مناسبت است که در میان هیئت حاکمه کشورهای امپریالیستی، در کنار نظر ادامه تحمیل اراده خود بر کشورهای تولید کننده، حتی برخیا این نظر را بیان آورده اند که باید کشورهای مصرف کننده و تولید کننده نفت روابط بر پایه صرفه مقابل بوجود آورند. در این شرائط، اوضاع و احوال بسیار مساعدی برای مبارزات مردم علیه سيطرة سته گرانه امپریالیستها و بسود کسب استقلال سیاسی و اقتصادی و تحکیم مبانی این استقلال پدید آمده است. برخی از خلقها از این تحولات و امکانات عینی استفاده میکنند. بر میزان مقاومت خویش در قبال امپریالیسم دنباله در صفحه ۲

هموطنان عزیز! سرانجام پس از مدتی بند و بست ها و مذاکرات پنهانی، شاه در جریان گشایش کارخانه ذوب آهن اصفهان، پرده از روی محتوی و نتایج مذاکرات خود در سوئیس با نمایندگان کنسرسیوم غارتگر نفت، برداشت. این اظهارات نشان میدهد که بار دیگر در مسئله نفت بین شاه و کنسرسیوم سازشی انجام گرفته است که بزبان مصالح ملی ماست و با روح قانون ملی کردن صنایع نفت مغایرت دارد و علیرغم آن امکانات عینی فراوانی است که هم اکنون برای اجراء تمام و کمال قانون ملی شدن نفت در جهان و منطقه وجود دارد.

حزب توده ایران بارها به وجود این امکان، و تحولات عمیقی که طی سالهای اخیر در وضع جهان و منطقه روی داده، اشاره کرده است. در جهان امروز سه نیروی انقلابی اساسی عصر ما، یعنی کشورهای سوسیالیستی، جنبش انقلابی کارگری کشور های سرمایه داری و جنبش رهایی بخش ملی روز بروز قدرت و نفوذ بیشتری کسب میکنند و ابتکار تاریخ را در دست دارند. امپریالیسم رو به ضعف می رود و دیگر آن نیروی قدر قدرتی نیست که بی ترس از کبیر، امور جهان را بسود خود رتق و فتق میکرده است. سیاست جنگ سرد با شکست مواجه شده و سیاست صلح و همزیستی راه خود را با قدرتی فراوان بسوی پیش میگذراند. تناقضات داخلی کشورهای امپریالیستی، تضاد بین کشورهای عمده سرمایه داری بویژه بر سر بازار فروش، دمدم حدت و شدت فزونی کسب میکنند. بحران عمومی سرمایه داری در همه عرصه ها تشدید میشود و از آنجمله بحران ارزی از جلوه ها و مظاهر آنست. یکی از مشکلات بزرگی که امپریالیسم با آن روبروست آنجیز نیست که بحران انرژی نام دارد یعنی آنکه از طرفی منابع نفت و گازی که در کشورهای امپریالیستی است

از مبارزه دانشجویان پیکار جو پشتیبانی کنیم! (اظهاریه هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران)

درس خود داری کردند. در اینجا نیز با تظاهرات مسالمت آمیز دانشجویان وحشانه مقابله شد و زد و خورد میان دانشجویان و پلیس در گرفت. کماندوهای مجهز پلیس بر سر دانشجویان ریختند و بر روی آنان آتش گشودند، طبق اطلاع خبر گزارهای خارجی، عده ای از دانشجویان مقتول و جمعی مجروح شدند. اعتصاب به سرعت به دانشگاه آریا مهر، جندی شاپور، دانشگاه ملی، مدرسه عالی پارس، دانشگاه شیراز، دانشگاه اصفهان، دانشکده کشاورزی و دانشکده منابع طبیعی کرج، دانشکده علوم و ارتباطات تهران و دانشکده علم و صنعت سرایت نمود، شعار های ضد امپریالیستی و دموکراتیک مبارزه، یعنی اعتراض به خرید اسلحه، بند و بست با کنسرسیوم غارتگر و تأمین دموکراسی در دانشگاههای مختلف با دنباله در صفحه ۳

بار دیگر تراکم ناراضی، دانشگاه های ایران را بجوش و خروش آورده است. هنوز گردانندگان رژیم از تظاهرات دانشجویان بمناسبت روز ۱۶ آذر سراسیمه بودند که دانشجویان دانشگاه تهران علیه مضحکه جشنهای سالگرد باصطلاح انقلاب سفید دست به تظاهرات زدند. مأموران مسلح بر دانشگاه حمله بردند، عده زیادی از دانشجویان را بازداشت و جمعی را مضروب و مجروح ساختند. اما یورش بربر منشاء مأموران انتظامی و چاقوآزان سازمان امنیت توانست دانشجویان را مرعوب کند. با انتشار خبر خرید ۲ میلیارد دلار اسلحه و بند و بست خائنانانه کنسرسیوم غارتگر، امواج تظاهرات و اعتصاب بات سراسر دانشگاهها و مدارس عالی را فرا گرفت. دانشجویان مبارز دانشگاه تبریز، بمنظور اعتراض به این اقدامات ضد ملی اعتصاب نمودند و از حضور در کلاسهای

ایران در نقش ژاندارم منطقه

مسقط نیز بساختن پایگاههای دریائی و هوائی مشغول است. بموازات این اقدامات وسیع نظامی بمناسبت و یا بمناسبت شاه و سردمداران رژیم تبلیغات پر دامنه ای در باره مسائل دفاعی به مقیاسی که در آستانه یک جنگ بزرگ برای تجهیز مردم انجام میگردد، برآه انداخته اند چنانکه گویی میهن ما در معرض خطری است که موجودیت و تمامیت آنرا تهدید میکند. مجموع این اقدامات بحق موجب نگرانی مردم ایران و کشورهای منطقه خاور میانه حتی هند شده است. روزنامه «هندوستان اکسپرس» در فوریه ۱۹۷۳ نوشت: «تصمیم دولت نیکسون دایر بفروش اسلحه به ایران بمبلغ ۲ میلیارد دلار عواقب وخیمی برای کشورهای خلیج فارس و اقیانوس هند خواهد داشت. از آنجائیکه امنیت داخلی معضل مهمی برای ایران نیست، میتوان نتیجه گرفت که خرید اینهمه تکنیک نظامی را دنباله در صفحه ۳

بنا با تظاهرات مجلس سنای امریکا، ایران سه میلیارد دلار (۲۲۵ میلیارد ریال) از امریکا سلاحهای مدرن میخرد و بنا به درخواست شاه ایران سیصد نفر کارشناس امریکائی بایران خواهند آمد تا چگونگی بکار بردن این سلاحها را یاد بدهند. وزارت جنگ امریکا نیز بطور رسمی انجام معامله اسلحه با ایران را به بهای دو میلیارد و یکصد میلیون دلار که تقداً پرداخت میشود اعلام داشت. پس از این خرید هنگفت از امریکا، خبر خریداری یکصد و پنجاه میلیون لیره استرلینگ اسلحه از انگلستان نیز منتشر گردید. اضافه میکنیم که این ارقام علاوه بر خرید های کلان اسلحه است که دولت ایران در سالهای پس از کودتای ۲۸ مرداد و مخصوصاً در سالهای اخیر انجام داده، از طرف دیگر ایران بتوسعه پایگاههای هوائی و دریائی خود در خلیج فارس و مجاور اقیانوس هند دست زده و حتی در خارج از خاک ایران در جزیره موریس و سلطان نشین عمان -

اظهاریه در باره کنسرسیوم نفت

میا فرزند و دست غارتگرش را از منابع ثروت میهن خود کوتاه میسازند. از آنجمله کشور های تولید کننده نفت، در مبارزه برای استیفاء حقوق و تأمین حق حاکمیت خویش در منابع نفت، به موفقیت‌های چشم‌گیری نائل می‌آیند. در این مورد میتوان مثلاً از موفقیت اخیر خلق کشور همسایه ما عراق برای ملی کردن بخش مهمی از منابع نفت خود یاد کرد. کاملاً روشن است که در این شرایط حفظ قرار داد غارتگرانه ای که کنسرسیوم پس از سرکوب جنبش ملی مردم ایران، آنرا بدست محافل ارتجاعی بر کشور ما تحمیل نموده و افکار عمومی دائماً خواستار الغاء آن بوده، بیش از پیش دشوار می‌شود و کنسرسیوم می‌دیده که دیگر قادر نیست شکل گذشته غارتگری را برای مدتی مدید ادامه دهد، لذا مجبور شد به برخی تغییرات تن در دهد تا خود را کمابیش با شرایط نوین همساز کند. آنچه که از اظهارات شاه و هویدا در مورد بند و بست جدید می‌آید آنست که کنسرسیوم غارتگر بعنوان خریدار انحصاری و ممتاز بخش عمده نفت ایران برای بیست و یکسال دیگر کماکان باقی خواهد ماند و کارشناسان کنسرسیوم، تحت عنوان کارمندان خارجی شرکت ملی نفت ایران، کماکان در مؤسسات نفتی ما بکار خویش ادامه خواهند داد. بنا به تصریح شاه در سخنرانی‌اش به‌تکدام افتتاح ذوب آهن، ایران که صاحب صنایع ملی شده نفت است از هر بشکه نفت منفعتی خواهد داشت که از دیگر کشورهای خلیج فارس که در اکثر آنها تسلط انحصارات نفتی امپریالیستی، بصورت امتیازات اسارت‌بار هنوز باقی است، فقط کمتر نخواهد بود! از همه مهتر اینکه موافق اظهارات شاه شرکت تازه ای در کار پیدایش است که جانشین شرکت گذشته خواهد شد. خلاصه با برخی تغییرات در د کوراسیون، جریان تحویل روز افزون نفت ایران به کنسرسیوم غارتگر برای ۲۱ سال دیگر تضمین شده است و این درست همان هدفی است که کنسرسیوم می‌خواسته است بدان برسد و از رسیدن بدان آشکارا خرسند است.

ما هنوز از جزئیات قرار داد جدیدی که در لندن در باره آنها مذاکره جریان دارد و از شرکت تازه ای که می‌خواهند تشکیل دهند دقیقاً خبری نداریم. ولی با بررسی اظهارات شاه و هویدا، از هم اکنون میتوانیم نکات زیرین را تصریح نمائیم:

الف - شاه در اظهارات خود در مراسم افتتاح کارخانه ذوب آهن اصفهان تصریح کرد که «تمام متخصصین که هنوز ما بدانها احتیاج داریم، در این شرکت که بمسئولیت ایرانی و در ایران به ثبت رسیده باشد، در اختیار ما خواهند بود.» در این عبارت میهم، دو پهلو و گندرا شاه از پیدایش شرکت جدیدی صحبت کرده است. در باره این شرکت نوپید خبر گزاری فرانس پرس، بر

اساس اخذ اطلاع از منابع موثق در تهران اطلاعات بیشتری بدست می‌دهد. این خبر گزاری مطلع می‌نویسد: «شرکت جدید بهره برداری کننده، یک شرکت مختلط خواهد بود که شرکت ملی در آن در کنار شرکتهای عضو کنسرسیوم داخل خواهد گردید. این شرکت در تهران خواهد بود.» این اطلاع فرانس پرس اخبار مندرجه در جرائد تهران را تکمیل میکند. از بررسی این اخبار چنین حاصل می‌آید که کنسرسیوم سابق بعنوان عامل خرید نفت بصورت سازمان مستقل در تهران دفتر خود را حفظ میکند. دو شرکت دیگر که محل آنها بترتیب در مسجد سلیمان و اهواز است، یعنی «شرکت تصفیه» و «شرکت اکتشاف و تولید» با تمام کارشناسان خارجی به‌همراه شرکت ملی نفت وارد ترکیب یک شرکت تازه مختلط میشوند. بر اساس این اخبار باید گفت که تمام چار و جنجال در باره «خلع ید» و اجراء کامل قانون ملی شدن و لفاظی های دیگر از این قبیل بدون محتوی جدی است. تشکیل شرکت جدید مختلط همراه کنسرسیوم نقض قانون ملی کردن نفت ایران است. این خیانت جدیدی است به مردم ایران و وضع گذشته را بطور عمده و ماهوی حفظ خواهد کرد و سیطره غارتگرانه کنسرسیوم بر منابع نفتی ما ادامه خواهد یافت.

ب - فروش انحصاری بخش عمده نفت با امتیازات و تخفیفات و شرائطی که تأمین کننده غارتگری انحصارهای امپریالیستی نفت است مخالف منافع مردم ایران است. ایران باید بتواند در نهایت آزادی و تأمین حداکثر صرفه خود، نفت خویش را در بازار جهان بفروشد و قبول شرائط محدود کننده در این زمینه بایمال کردن مصالح ملی ماست. شاه در نطق خود در «کنگره ملی» اعتراف کرد که در جهان امروز ردیف درازی برای خرید نفت وجود دارد. ولی در آن موقع گفت که میتواند کنسرسیوم را وادار سازد که در آن ردیف دراز برای خرید نفت ایران بایستد. عملاً چنین چیزی رخ نداده است. در واقع نیز میزان تولید ایران بقسری عظیم است که جهان صنعتی که چنانکه توضیح دادیم دچار بحران منابع سوخت است، بهیچوجه نمیتواند آنرا نادیده بگیرد. مشتری برای نفت ما در دنیا وجود دارد. کارتل بین‌المللی نفت دیگر دارای آن قدرت نیست که بتواند اراده خود را تحمیل کند. ولی در اثر بند و بستهای پس پرده، این کنسرسیوم به خریدار ممتاز و طولانی نفت خام مابدل شده است. با توجه باین واقعیت که استخراج نفت ایران طی سالهای آینده تادو برابر افزایش خواهد یافت کنسرسیوم طی سالهای آینده عملاً فرصت خواهد یافت بخش عمده ذخیره مکشوف نفت ایران را بغارت برد.

ج - ما همیشه از این واقعیت دفاع کردیم که کارگران و مهندسان و دیگر کارشناسان ایرانی بارها لیاقت خود را به ثبوت رسانده‌اند و کاملاً قادرند صنایع نفتی ما را اداره کنند. بهمین جهت مخالف بقاء کارشناسان کنسرسیوم هستیم. این نکته بر همه

کس روشن است که مسئله بر سر وجود یک عده متخصص خارجی، که میتوانستند در صورت نیاز واقعی کشور در مؤسسات نفتی ما کار کنند نیست. بلکه مسئله بر سر بقاء کنسرسیوم برای ادامه کنترل مؤسسات نفتی از جانب انحصارهای امپریالیستی نفت است، که طبق اطلاع مطبوعات ایران در مقام خویش باقی خواهند ماند. این امر بر خلاف دعوی شاه، موفقیتی از طرف ایران نیست بلکه تعمیلی است از جانب کنسرسیوم. این امر در عین حال توهینی است به مهندسان و دیگر کارشناسان ایرانی. که نه فقط در صنایع نفت ایران، بلکه حتی در کشورهای خارجی در این زمینه با موفقیت تمام کار میکنند.

د - تصریح شاه دادر با آنکه منفعت ما از هر بشکه، موافق سازش اخیر با کنسرسیوم، از منفعت کشورهای خلیج فارس کمتر نخواهد بود، کته سازشی را که انجام گرفته است افشاء میکند. در صورتیکه ما دارای نفت ملی شده هستیم و حتی خسارت مؤسسات نفتی را آنطور که با تعمیل شده، تا آخرین پیش برداخته‌ایم، چگونه منفعت ما فقط کمتر از کشورهای نفتی نخواهد بود که نفت آنها کاملاً در قبضه کارتل بین‌المللی است؟! همین نکته است که نشان میدهد دعوی سخنگویان هیئت حاکمه در باره «تسلیم کامل کنسرسیوم» و «پیروزی کامل ایران» الفاظ تبلیغاتی است که برای پوشاندن واقعیت ادا می‌گردد.

ما بر آنیم که بالا بردن درآمد نفتی از راه بالا بردن دائمی تولید روش درستی نیست. نفت و گاز مواد بنیهای گرانبایی است که باید تولید، مصرف و فروش آن موافق یک سیاست دورنمدار و کاملاً سنجیده اقتصادی انجام گیرد. ما میتوانیم از این منبع بعنوان ماده اولیه صنایع پتروشیمی استفاده کنیم. ما میتوانیم محصولات گرانقیمت نفتی بوجود آوریم و در جهان بفروشیم. ما میتوانیم و باید منابع نفتی را برای نیازهای روز افزون کشور که در کار صنعتی شدن است برای مدتی هرچه طولانی‌تر حفظ کنیم و از این راه نیز به پیدایش مشاغل جدید و حل مسئله بفرنج اشتغال که روز بروز حادتر میشود کمک کنیم. البته ما میتوانیم و باید قسمتی از نفت خود را نیز در بازار جهانی بفروشیم ولی میزان این فروش و شیوه آن باید مبتنی بر یک سیاست مستقل اقتصادی یعنی با مراعات صرفه و صلاح کشور باشد. رژیم از طرفی امکان میدهد که منابع نفت ما بی پروا و دد منشا غارت و ذخیره نفتی ما با سرعت بر باد رود و از طرف دیگر شکل عمده استفاده‌اش از نفت فروش نفت است نه استفاده همه جانبه و متنوع از این ماده. در اینجا سیاست که ما بین یک سیاست ملی در مورد نفت و سیاست کنونی رژیم خط فاصل جدی پدید میشود.

روش هیئتهای حاکمه ایران از آغاز قرن کنونی تا امروز بندوبست بی‌دری و خیانت آمیز با امپریالیسم و انحصارهای نفتی امپریالیستی و باز گذاشتن دست آنها در یغای ثروت ملی ما بوده است. رژیم کنونی باین دست اخیر خود در همین جاده ننگین پیشینیان خویش گام بر میدارد.

جالب است که تغییراتی را که انحصار های امپریالیستی نفت، برای سازگار کردن وضع خود بانحولات وضع ایران و جهان داده اندوهیست خا که ایران آنرا پذیرفته نخواهد بعنوان حل قطعی مسئله نفت، بعنوان اجراء تمام و کمال قانون ملی شدن صنایع نفت جا بزنند و با صحنه سازی، مرم ایران را که عطشان استقلال کشورند بفریبند. این طرز عمل سابقه دارد. در دوران حکومت رضاشاه این صحنه‌سازی درباره قرارداد داریسی بعمل آمد. با چار و جنجال، الغاء این قرارداد را اعلام کردند و تبلیغات دامنه داری در ایران و جهان براه افتاد. پس از مدتی قرارداد اسارت‌آوری دائر به تمدید امتیاز شرکت سابق نفت ایران و انگلیس منعقد شد قراردادی که حتی عاقد آن تقی‌زاده آنرا بعداً محکوم دانست. عقد این قرارداد ننگین و اسارت‌آور را بعنوان پیروزی بزرگ اعلام داشتند و مانند این روزها مردم را به جشن و چراغانی وادار کردند. پس از کودتای ۲۸ مرداد انعقاد قرارداد خائنه با کنسرسیوم نفت اعراض کردند که این قرارداد همان اجراء قانون ملی کردن نفت است. بعدها شاه و امینی عاقدین این قرارداد به تعمیلی بودن آن بشکل تصریحی یا تلویحی اعتراف نمودند و امروز صحبت از خلع ید میکنند. قرار داد تازه نیز خلع ید نیست. مسئله خلع ید کماکان در دستور تاریخ باقی است. این واقعات نشان میدهد که تاریخ تکرار میشود ولی با این تفاوت که ایران امروز و جهان امروز دیگر آن ایران و آن جهان نیست و صحنه سازها هر قدر که ماهرانه باشد و با دقت استتار گردد نمیتواند افکار عمومی را بفریبند.

خنده آور اینجا است که منادیان رادیوی دولتی، طی یک سلسله گفتارهای کین‌توزانه و افترا آمیز در حق حزب ما، تقلا دارند مواضع حزب ما را در مورد نفت به هرگونه جلوه گر کنند. یگروز از آن دم می‌کنند که گویا ما میخواهیم شهرهای نفت بسته شود و ایران سیاست اقتصاد بدون نفت را در پیش گیرد. روز دیگر می‌گویند ما میخواهیم ایران دارای وابستگی یک جانبه شود و معاملات خود را تنها با کشورهای معینی انجام دهد. بالاخره روز دیگر دست به جعلیات و دروغهای بزرگ گویس وار می‌زنند و دعوی میکنند که گویا حزب توده ایران همیشه با ملی کردن صنایع نفت مخالفت کرده و ایران را برای اداره صنایع مستقل نفت مستعد نمیداند. هر کس که دارای عقل سالم است به لغو بودن این جعلیات مضحک پی میبرد. حزب توده ایران در تاریخ پر افتخار خود پیوسته از استقلال اقتصادی کشور در قبال غارتگری امپریالیستی برای برانداختن سیطره انحصارهای امپریالیستی نفت و از جمله اجراء تمام و کمال قانون ملی کردن صنایع نفت با تمام قوت دفاع نموده است.

مردم ایران!

شاه و هیئت حاکمه ایران، در بند و بست با امپریالیسم، نه فقط ثروت گرانبهای نفتی ما را دستخوش تاراج‌گری آنها میکنند،

دنباله از صفحه ۱

اظهاریه در باره دانشجویان

مطالبات تحصیلی و دانشگاهی از قبیل: لغو حق ثبت کنکور عمومی، اعتراض به گرانی سرسام آور شهریه، طرد عوامل شناخته شده سازمان امنیت از ساحت دانشگاه در آمیخت، اما این خواسته‌های منطقی و بجای دانشجویان با واکنش خشن رژیم مواجه شد. طبق خبر خبرگزاری های خارجی در چهار ماهه آخر سال ۱۳۵۱ تعداد ۱۷ نفر دانشجو در جریان تظاهرات و اعتصابات بقتل رسیده اند. تعداد بازداشت شدگان بیشمار است، از سر نوشت بسیاری از دانشجویان زندانی خبری در دست نیست، خانواده ها نگرانند، تعدادی از دانشکده ها عملاً تعطیل مانده اند. روز ۱۲ فروردین مجدداً دانشگاه تهران به تظاهرات بردامنه ای دست زد و با وجود حملات مسلحانه مأموران انتظامی بنحو درخشانی پایداری نمود. در این جریان نیز تعداد زیادی از دانشجوین بازداشت شدند.

واکنش تبهکارانه رژیم در برابر خواست های عادلانه و منطقی دانشجویان، بار دیگر سیمای واقعی رژیم مطلقه را نشان میدهد، نشان میدهد رژیم که در میان توده های مردم تکیه گاهی ندارد، سر نیزه و تانگ را تکیه گاه خود قرار داده است. گردانندگان رژیم از آنجهت تظاهرات مسالمت آمیز دانشجویان را با چنین شوهرهای خشن سرکوب میکنند، که این تظاهرات، دعاوی بی پایه آنانرا نقش بر آب میکند. نشان میدهد که علی‌رغم تبلیغات پسر هیاهو، دانشجویان به «انقلاب سفید» باور ندارند، به دعاوی دروغ تسلیم نمیشوند، نمیخواهند میهنشان به ماجراهای بی سر انجام نظامی کشیده شود، نمیخواهند ثروت کشورشان جیب انحصارات فتنخوار و سوداگران اسلحه را پر کند. بر عکس خواستارند که کشورشان از سلطه سیاسی و دی ام بی ایسم برهد، براه تکامل سالم گام نهد و ثروت کشورشان در راه رفاه مردم بکار افتد. این خواستهها منطقی و مورد پشتیبانی همه نیروهای مترقی است و ما از این مطالبات با همه نیرو حمایت میکنیم. مخالفت با این مطالبات عادلانه و میهن پرستانه و سرکوب آن، سیاست ضد ملی و ضد دموکراتیک رژیم را بیش از پیش بر ملا میکند.

ما به مبارزان جوان و روشن بین دانش پژوه درود پرشور میفرستیم و از همه عناصر و سازمانهای مترقی، همه مردم ایران دعوت میکنیم که از مبارزه دانشجویان با تمام نیرو حمایت کنند و بهر نحوی که میسر میدانند با آنان همبستگی نشان دهند. این وظیفه مقدس جنبش دانشجویی خارج از کشور است که به حمایت از مبارزات ضد امپریالیستی و حق طلبانه دانشگاههای ایران بر خیزد و با استفاده از امکانات مساعدی که در اختیار دارد به پیشبرد مطالبات آنان یاری رساند. پشتیبانی افکار عمومی ایران و جهان از این مبارزه و اعتراض به خسونت رژیم میتواند در پیشبرد خواستههای حق دانشجویان که خواست همه مردم زحمتکش ایران است مؤثر باشد. ما اقدامات تبهکارانه رژیم را در قتل و جرح و بازداشت، دانشجویان شدیداً محکوم

دنباله از صفحه ۱

ایران در نقش ژاندارم منطقه

ملاحظات سیاست خارجی ایجاب میکند... ایران همچنین میخواهد نقش دولت هدایت کننده را در اقیانوس هند ایفا کند. اینک برای مردم ایران این سؤال مطرح است که با وجود نیاز ایران به وام برای اجرای برنامه های خود و داشتن بیش از سه میلیارد دلار وام خارجی، خرید دائمی سلاحهای مدرن و انجام معاملاتی که رقم آنها به میلیارد ها دلار میرسد و در دنیا بی نظیر است، چه معنی دارد؟ اظهارات شاه و هویدا و جرائد و رادیو و بطور کلی دستگامهای تبلیغاتی رژیم در باره نقشه های دفاعی ایران در یک جنگ احتمالی که تا حد تبدیل ایران به «زمین سوخته» میرسد در دورانی که مسئله امنیت جمعی اروپا و آسیا و تخفیف وخامت اوضاع بین المللی و خلع سلاح مطرح است، چه هدفی را تعقیب میکند؟ شاه و حکومت ایران از سوئی در گفته های خود از امنیت جمعی آسیا، از صلح، از خلع سلاح دم میزنند، از سوی دیگر در عمل با اقداماتی میپردازند که درست در جهت عکس گفته های آنها است. دلیل این دو رویی چیست؟ آیا با ایجاد هستری جنگ میتوان ریختن میلیاردها دلار درآمد کشور را بجهت صاحبان کارخانه های اسلحه سازی آمریکا و انگلیس، توجیه کرد؟ جواب شاه و دولت او بصددها هزار مردم بیچاره و میلیونها نفر زحمتکشانی که فاقد حد اقل وسيله معیشت هستند چیست؟ مگر شاه مکرر نگفت که ما هم اکنون قادریم جواب شایسته ای به هر مهاجم خارجی بدهیم و حتی هل من مبارزیم طلبید؟ آیا این سلاحهاییکه برای شناسایی آنها به سید صد نفر کارشناس جدید امریکایی نیازمندیم برای مردم ایران کار، نان، خانه و مدرسه و بیمارستان و آزادی به ارمان میآورند؟ آیا با تبدیل ایران به بزرگ ترین زراد خانه های خاور میانه اعتماد مردم این منطقه و دوستی همسایگان خود را بدست میآوریم یا اینکه ایران تبدیل بکانون خطری میشود که آنها را نیز وادار بعمل متقابل و افزایش تسلیحات میکند و وضع کلی این منطقه را وخیم تر مینماید؟

حقیقت اینست که جواب سئوالات فوق را بهیچوجه نمیتوان در ارتباط با مسائل اقتصادی، سیاسی و دفاعی ایران جستجو نمود. انگیزه سیاست نظامیگری حکومت ایران را فقط میتوان در ارتباط با منافع اقتصادی - سیاسی امپریالیستهای امریکایی و انگلیسی و بلند پروازیهای شاه ایران یافت. روزنامه لوموند در ۲ دسامبر ۱۹۷۱ درباره «کمکهای هنگفت» آمریکا و انگلیس بایران بدرستی چنین نوشت: «کمک های

میکیم و آزادی فوری همه دانشجویان زندانی را خواستاریم. ما میخواهیم که دولت به حریم دانشگاهها احترام بگذارد و پلیس و آدمکشان سازمان امنیت را از ساحت دانشگاه خارج کند. زنده باد مبارزه حق طلبانه دانشجویان ما!

هیئت اجرائیه کمیته مرکزی

حزب توده ایران

۱۵ فروردین ۱۳۵۲

هنگفت آمریکا و کشورهای غربی به ایران (بخوانید: فروش هنگفت اسلحه) آقدرها معلول مسائل اقتصادی که مربوط بخود ایران باشد نیست، بلکه بیشتر معلول مصالح اقتصادی و سیاسی لندن و واشنگتن در منطقه خلیج است. «رمز سیاست حکومت ایران را باید در دکترین گوام - نیکسون که هدف آن ایجاد ژاندارمهای منطقه ای و تقسیم «مسئله» لیبتهای سنگین» آمریکا است، کشف نمود. البت ریچاردسون معاون وزارت خارجه آمریکا این مسئله را بی پرده در سال ۱۹۷۰ چنین بیان کرد که «بر اساس دکترین نیکسون برای تحقق بخشیدن بهدفعات صلح و امنیت آمریکا باید توجه خود را بکشورهای منطقه و بخصوص بایران متوجه کند» (کیهان ۲۳ آوریل ۱۹۷۰) همین روزنامه نقل از ریچاردسون در شماره ۲۲ آوریل ۱۹۷۰ خود نوشت که «واشنگتن رهبری ایران را در خلیج فارس برای تأمین ثبات و امنیت در این منطقه حساس تأیید میکند».

اخیراً ژوزف سیسکو معاون وزارت خارجه آمریکا در کنفرانسی که در وزارت خارجه آمریکا در باره سیاست خارجی این کشور ایراد کرد ضمن ستایش از «رهبری خردمندانه» شاه، اظهار کرد که «نیرومندی دولت ایران عامل مهمی است برای ثبات در ناحیه خلیج فارس» و تصریح کرد که «ناحیه خلیج فارس برای آمریکا دارای اهمیت درجه اول است». او نیروهای سابق انگلستان را نیز عامل مهم ثبات در ناحیه خلیج دانست و افزود که «ما کوشیده ایم در همکاریهای خود که آنرا متوجه ایران و عربستان سعودی ساخته ایم پیش برویم». بنا بر این عامل اساسی اقدامات حکومت ایران در مورد خرید اسلحه و توسعه پایگاههای هوایی و دریایی محصول اهمیت درجه اولی است که آمریکا بمنافع اقتصادی و استراتژیکی خود در خلیج فارس و منطقه میدهد نه حفظ منافع مردم ایران.

این اظهارات صریح معاونان وزارت خارجه آمریکا جای تردیدی باقی نگذاشت که ایران ایفای نقش خاص ژاندارم منطقه را که با بلند پروازیهای شاه مطابقت دارد، به عهده گرفته و برای انجام آن از کیسه مردم ایران بی پروا خرج میکند این همان نقشی است که شاه بشکل دیگری از آن چنین یاد میکند: «این کشور محکوم با بقای نقش درجه اول در صحنه جهانی است. ما باید خود را برای انجام این نقش از صمیم قلب و با تمام قوا آماده کنیم». این نقش همان نقشی است است که سناتور آکندی در مصاحبه خود با خبرنگار تلویزیونی ملی ایران (نقل از کیهان ۳۱ شهریور ۱۳۵۰) آنرا چنین توضیح داد: «پس از خروج انگلیس از خلیج فارس ایران باید نقش اساسی را در حفظ صلح ایفاء کند. در این مورد واشنگتن از ایران حمایت خواهد کرد». روزنامه اسکاتمن انگلیسی در سال ۱۹۷۱ نوشت که «مخالف رسمی آمریکا اظهار میدارند که تا سال ۱۹۵۷ که برنامه تحویل اسلحه و تربیت ارتش ایران بیابان میرسد انتظار میرود ایران به نیرومندترین قدرت در خاور میانه و به عامل ثبات در این منطقه تبدیل شود».

برای تبدیل شدن به «نیرومندترین قدرت» یا بعبارت دیگر رسیدن به درجه ژاندارمی امپریالیسم در منطقه است که ایران بقول روزنامه نیویورک هرالد تریبون مورخ ۱۱ اکتبر ۱۹۷۱ «بهای ترقی (!) خود را با افزایش وام مربوط بخرید اسلحه و تشدید فشار میپردازد» همین روزنامه اضافه میکند که «با آنکه آمار رسمی در باره مجموع وامهای ایران نشر نیافته میتوان تخمین زد که ایران بیش از سه میلیارد دلار مقروض است». شاه در بهمن ماه ۱۳۵۰ هنگام مصاحبه با خبرنگاران خارجی گوشه ای از نقشی را که ایران به عهده گرفته چنین افشاء نمود: «هر يك از کشورها و شیخ نشینها در خلیج فارس که تا بلی باخذ کمک از ایران نشان دهند بدون تردید آنرا دریافت خواهند کرد... من تصور میکنم در چند سال آینده ما باید نقش کمک دهنده را به عهده بگیریم. مسلماً منطقه مورد توجه ما خلیج فارس است. در این منطقه ما میتوانیم به بعضی از کشورها کمک فنی بکنیم و همچنین به ثبات و امنیت منطقه نیز کمک کنیم. مسلم است که این کار با همه دریاها آزاد ارتباط پیدا میکند. هر اقیانوس دنباله اقیانوس دیگر است. طبیعتاً اگر اقیانوس هند منطقه آشفته ای باشد عواقب و نتایج آنرا اعم از بد یا خوب ما احساس میکنیم».

هم اکنون ایران نقش «کمک کننده» را با دادن سبصد میلیون دلار اعتبار بسلطان قابوس و اعزام کارشناسان نظامی بعمان برای سرکوب جنبش ظفار و تهدید جمهوری دموکراتیک یمن، با ارسال هواپیماهای فانتوم برای حکومت وان تیو در ویتنام جنوبی، با فرستادن سلاحهای گوناگون برای پاکستان و با تمرکز نیروهای نظامی ایران در دهانه شط العرب برای کمک به شیخ کویت علیه جمهوری عراق، ایفا میکند.

حکومت ایران بجای پند گرفتن از تحولات جهان که در جهت تخفیف و خامت اوضاع بین المللی، ایجاد سیستم امنیت جمعی در اروپا و آسیا، خلع سلاح و اجرای سیاست همزیستی مسالمت آمیز است، پیوندهای خود را با امپریالیستها تقویت میکند، بخاطر حفظ منافع اقتصادی و استراتژیکی آنها میلیاردها دلار از ثروت مردمی را که خود نیاز مبرم بدان دارند، بدامان فروشندگان کالاها میمرگزا میریزد، بسرکوب جنبشهای آزادی بخش در منطقه خاور میانه کمک میکند، به طرح نقشه های تجاوزکارانه میپردازد، کشور ما را در جهت مخالف تاریخ سوق میدهد و ایران را به کانون خطری علیه صلح و آرامش منطقه خاور میانه و اقیانوس هند تبدیل میکند و برای انجام این اقدامات ضد ملی از گفتن دروغ، از تبلیغات شونیستی، از دورویی و ریا کاری ابا و امتناعی ندارد.

مردم ایران که آثا زبان بخش این سیاست را در نداشتن وسائل کافی زندگی، نداشتن وسائل فرهنگ و بهداشت و نداشتن هر نوع آزادی روی گوشت و پوست خود حس میکنند، آنرا بشدت محکوم و علیه آن مبارزه مینمایند. ا. گویا

دنباله از صفحه ۱

پیام کمیته مرکزی به کارگران و زحمتکشان کشور

و خانواده زحمتکش شما تحمیل میشود.

دولت و کارفرمایان با وجود عوام فریبها و وعدههای لفظی، در عمل از اجراء مقررات ناقص قانون بیمه‌های اجتماعی سر باز میزنند، مقررات تأمین و بهداشتی کار را زیر پا میگذارند، بدستاورهای گوناگون، حقوقی را که در نتیجه نیم قرن مبارزه طبقه کارگر ایران بدست آمده است پایمال اغراض سود جویانه خود میکنند. بیکار بودن برادران و خواهران کارگر شما را مانند وسیله تهدیدی برای پائین نگه داشتن دستمزدها و جلوگیری از مبارزات مطالباتی شما بکار میبرند. بعناوین گوناگون حقوق سندیکائی شما رانقض میکنند. و با توسل بزور و تهدید سازمان امنیت و مداخلات غیر قانونی وزارت کار میکوشند از رزمندگی و بیکارجویی اتحادیه های صنفی بکاهند و آنها را بصورت آلت کامل اجراء مقاصد خویش در آورند. سیاست ارتجاعی و ضد کارگری دولت نه تنها مانع از آنست که شما و فرزندانان از حیات معنوی شایسته انسان عصر کنونی برخوردار گردید بلکه بپناههای مختلف کودکان شما را از دریافت آموزش و پرورش صحیح و خود شما را از پیشرفت در آموزش و تخصص حرفه ای محروم میسازد.

رژیم حامی استثمارگران داخلی و خارجی از سوئی با پیش کشیدن شعار عوام فریبانه سهم کردن کارگران در سود و سهام کارخانه‌ها از وحدت طبقاتی، از همکاری بین کار و سرمایه دم میزند و از سوئی دیگر بپناه اجراء طبقه بندی مشاغل دستمزدها را منجمد میکند و به پشتیبانی از استثمارگران بزور سر نیزه و پلیس هر گونه جنبش حق طلبانه کارگران را سرکوب میکند. علی رغم منافع طبقات زحمتکش و همه مردم میهن پرست ایران، رژیم مطلقه شاه انحصارهای امپریالیستی را برای بهره کشی از نیروی کار کارگران ایرانی، که در نتیجه پائین بودن سطح زندگی بسیار ارزان است، تشویق میکند و بدینسان برای انحصارهای امپریالیستی وسائل غارت منابع ثروت ملی و استثمار بیرحمانه کارگران ایرانی را فراهم میسازد. در حالیکه میلیونها مردم زحمتکش ایران از ابتدائی ترین وسائل زندگی، بهداشت و آموزش محرومند و بیکاری مزمن سیاه ترین فقر و تیره روزی را نصیب دهها هزار خانوار زحمتکش میکند، همین حکومت مدعی هواداری از کارگران و مبلغ تئوری دروغین و مزورانه «همکاری طبقاتی» فقط طی چند ماه اخیر در حدود ۲۰۰

میلیارد ریال صرف خرید اسلحه و جنگ افزار بسود امپریالیستهای غارتگر امریکائی و انگلیسی نموده است. این مبلغ هنگفت که مستقیماً در نتیجه کار و زحمت توان فرسای کارگران نفت ایران عاید دولت شده تقریباً معادل یک چهارم بودجه ۱۳۵۲ کشور و بتهائی برابر با مزد سالانه ۵ میلیون نفر کارگر ایرانی با دستمزدها چهار هزار تومانی در سال است.

خواهران و برادران کارگر توجه کنید! با چنین سرمایه بزرگی که در نتیجه خیانت هیئت حاکمه ایران بجنب اسلحه فروشان امریکائی و انگلیسی ریخته میشود و در ازاء آن نه کارخانه‌های نه ماشینی و نه کالای دیگر بدرد خوری وارد کشور ما میگردد، امکان داشت چندین کارخانه بزرگ نظیر مجتمع آهن گدازی و فولاد سازی اصفهان، دهها بیمارستان، صدها دبستان و کود کستان و آمو زشگاههای حرفه ای ساخت، هزاران نفر کارگر بیکار را بکار گماشت، هزارها بیمار را درمان نمود و هزاران کودک ایرانی محروم از آموزش و پرورش را بکلاس درس کاشاند:

هیئت حاکمه ایران نه تنها نتیجه کار و کوشش کارگران نفت ایران را که میتواند وسیله نیرومندی برای بسط صنایع و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی کشور باشد، بدینسان بهدر میدهد بلکه تحت عنوان پایان دادن به قرار داد کنسرسیوم غارتگر نفت، بیکار دیگر در تباری با یغماگران امریکائی و انگلیسی، منابع عظیم نفتی ما را تا آخر قرن در اختیار انحصارهای غارتگر امپریالیستی میگذارد.

بدیهی است طبقه کارگر ایران با سنتهای بیکار جویانه تاریخی خود نمیتواند در برابر چنین اوضاع و احوالی که مستقیماً با شرایط زندگی و کار کنونی و آینده او بستگی دارد واکنشی نشان ندهد. امروز وزن مخصوص طبقه کارگر در جامعه ایران بسرعت بالا میرود. افرادی که از بازاری خود نان میخورند اکنون قریب نیمی از جمعیت فعال کشور ما را تشکیل میدهند و طی چند سال آینده طبقه کارگر به مهمترین عامل اقتصادی کشور مبدل میگردد. این نیروی عظیم در صورتیکه متحد و متشکل باشد و بطور قاطع و پیگیر در راه بدست آوردن حقوق صنفی، اجتماعی و سیاسی خود بیکار کند هیچ قدرتی در برابر آن یارای مقاومت ندارد.

امسال زحمتکشان سراسر جهان روز بین المللی اول ماه مه را در شرایطی بمراتب مساعد تر از سالهای پیش بر گزار میکنند. سیستم سرمایه داری جهانی با بحران مالی و سیاسی عمیقی روبروست، طبقه کارگر در همه کشورها نقش فعالتری ایفا میکند، مبارزات مطالباتی کارگران، مبارزه در راه صلح، استقلال ملی، دموکراسی و ترقی علیه بهره کشی سرمایه داری و امپریالیسم جنگ طلب و متجاوز شدت بیسابقه ای یافته است. در بسیاری از کشورها کارگران توانسته اند با توسل به اعتصابات دامنه دار و تظاهرات پر شکوه طبقات استثمارگر را در زمینه دستمزدها، تقلیل ساعات کار، بهبود شرایط کار و بیمه های اجتماعی، آزادیها و حقوق سندیکائی، به عقب نشینیهای قابل توجهی وادارند. در عرصه بیکار بین المللی نیز روز بروز برتری نیروهای صلح و سوسیالیسم و استقلال ملی بر قوای امپریالیستی جنگ و

تجاوز محسوس تر میگردد و تناسب نیروها بنحو چشمگیر بسود جنبه سوسیالیسم، صلح و دموکراسی تغییر میکند. مردم قهرمان و بت نام با پشتیبانی و همبستگی مستمر و فعال دولتهای سوسیالیستی و همه نیروهای صلح دوست و ترقیخواه جهان به پیروزی درخشانی علیه امپریالیسم متجاوز و خون آشام امریکا نائل شایه و این بزرگترین دولت امپریالیستی جهان را شکست خورده از سرزمین خود رانده اند. سیاست صلح و همزیستی مسالمت آمیز بیش از پیش راه خود را در بهت جهان میگشاید و اندیشه سوسیالیسم یعنی ایده نو لوژی طبقه کارگر در میان توده های وسیع مردم گیتی هر چه عمقتر رسوخ میکند.

در چنین شرایط مساعد بین المللی طبقه کارگر ایران امکانات بیشتری برای مبارزه در راه تحکیم صفوف و تشکیل سازمانی خود در اختیار دارد و میتواند بانگاه نیروی سازمانی متحد خویش در پیشاپیش همه مردم زحمتکش ایران و همه قشرهای قرار گیرنده تسلط بهره کشان خارجی و داخلی و ستگرایی و خود سری دستگاه فشار و اختناق حکومت مطلقه زندگی مادی و معنوی آنها را تباہ ساخته، استقلال کشور و آزادیهای دموکراتیک خلق را لنگد مال ساخته است. بنا بر این رقتی کارگر! برادران زحمتکش!

جا دارد که در این شرایط:

— قدرت اتحاد، متشکل و همبستگی طبقه کارگر و همه توده های زحمتکش ایران را با تظاهرات روز اول ماه مه در برابر صف متحد بهره کشان خارجی و داخلی نمایش دهید؛

— شعارهای مطالباتی خود را برای بالا بردن سطح دستمزدها، اشتغال بیکاران، اجراء کامل مقررات بیمه های اجتماعی و شرایط تأمین و بهداشتی کار، آزادیها و حقوق کامل سندیکائی متحدان علناً و بی پروا مطرح سازید؛

— صدای اعتراض خود را علیه سیاست تسلیحاتی رژیم که نتیجه کار و کوشش طبقه کارگر ایران را بسود یغماگران امپریالیست بهدر میدهد و یکی از مهمترین عوامل نازل بودن سطح دستمزدها و زندگی شماست هر چه رساتر بلند کنید و پشتیبانی خود را از جنبش اخیر دانشجویان و جوانان غیور ایران علیه این سیاست خانه برانداز اعلام دارید؛

— تقدر شدید خود را نسبت به سیاست نظامی گری، توسعه طلبانه و ماجراجویانه، رژیم که امنیت و صلح منطقه خاورمیانه و خلیج فارس را بخطر میاندازد و موجب تشدید رژیم ارتجاعی و اختناق پلیسی در داخل ایران است آشکار سازید؛

— علیه بند و بست اخیر هیئت حاکمه با کنسرسیوم بین المللی که مهمترین منابع نفتی کشور ما را تا پایان قرن حاضر در اختیار شرکتهای غارتگر امپریالیستی قرار میدهد شدیداً اعتراض کنید و برای جلوگیری از عقد قرار داد اسارتار جدید با کنسرسیوم مصممانه مبارزه کنید؛

— توجه داشته باشید که توسعه سریع صنایع با در نظر گرفتن خصوصیات و نیازمندیهای کشور و با استفاده درست از امکانات ارزی دولت و نیز از آمادگی کشورهای سوسیالیستی برای بسط مناسبات اقتصادی و همکاریهای فنی بیگانه راه صحیح واقع بینانه برای ترقی سریع اقتصاد کشور، بهبود سطح زندگی توده های زحمتکش و جلوگیری از توسعه بیکاری و تأمین اشتغال برای صدها هزار کارگر است. طبقه کارگر ایران به همراه عموم زحمتکش و ترقیخواهان کشور میتواند با مبارزات متحد و مدبرانه خود اتخاذ چنین روشی را به هیئت حاکمه تحمیل کند.

پاینده باد سنت تاریخی اول ماه مه، روز همبستگی و اتحاد کارگران سراسر جهان! مستحکم باد اتحاد توده های زحمتکش ایران علیه یغماگران و ستمگران خارجی و داخلی! پیروز باد مبارزه طبقه کارگر ایران در راه استقلال، دموکراسی، صلح و ترقی!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

دنباله از صفحه ۲

اظهاریه در باره کنسرسیوم نفت

بلکه عواید حاصله از نفت را برای اجراء خریدهای هنگفت انواع اسلحه تعرضی مصرف میسازند و سیاست خسارچی خود را در منطقه بیش از پیش بسوی یک ماجراجویی بدون مسئولیت سیر میدهند. سیاست تسلیحاتی رژیم دو جانب یک مدال است و دو شکل اساسی غارتگری امپریالیستی و سيطرة اقتصادی، سیاسی و نظامی آنها بر کشور ماست. این روشهای منافی با مصالح ملی ما با جنجال گوشخراش تبلیغاتی سخن گویان هیئت حاکمه استوار میگردد. باید هشدار بود و تقاب عوام فریبها را درید و ماهیت مشی ضد ملی را فاش کرد و با کلیه وسائل ممکن در مقابل این مشی مقاومت ورزید و با آن مبارزه نمود. اگر مردم ایران بموقع و با جسارت عمل کنند، قادرند با مبارزه خود مانع شوند که بند و بست اخیر با کنسرسیوم به تصویب برسد و بدینسان قید نو استعماری تازه ای بر دست و پای ما نگذارند شود. مردم ایران بند و بست با کنسرسیوم را بعنوان خانت و ضربت بر مصالح ملی ما محکوم میکنند آنرا ابداً برسمت نمیشناسند و میطلبند که قانون ملی شدن صنایع نفت تمام و کمال اجراء شود.

تردیدی نیست که پیروزی نهائی با مردم مبارز ایران است.

هیئت اجرائیه کمیته مرکزی

حزب توده ایران

۲۹ اسفند ماه ۱۳۵۱

رادیویک ایران را

بشنوید!

رادیویک ایران همه روزه از ساعت ۷ تا ۵۰ دقیقه بعد از ظهر بوقت تهران بر روی امواج کوتاه ۲۵، ۲۶، ۳۱ متر بربانهای کردی، آذربایجانی و فارسی برنامه پخش میکند. عین همین برنامه از ساعت ۷ و ۵۰ دقیقه تا ساعت ۹ و ۴۰ دقیقه بعد از ظهر بوقت تهران مجدداً تکرار میگردد. رادیویک ایران را بشنوید و شنیدن آنرا به دوستان و آشنایان خود توصیه کنید.

شماره حساب بانکی بیک ایران، ماهنامه مردم، مجله دنیا، مجله مسائل بین المللی و مجله بیکار بشر زیر است:

Sweden
Stockholm
Stockholms Sparbank
N: 0 400 126 50
Dr. John Takman

با این آدرس با رادیویک ایران، ماهنامه مردم، مجله دنیا، مجله مسائل بین المللی و مجله بیکار مکاتبه کنید!

P. B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden